

انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

پاسخ‌های فقهی

(کتاب روزه)

پاسخ‌های وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام

سید احمد الحسن علیه السلام

گردآوری و تنظیم

علا سالم

مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

نام کتاب	پاسخ‌های فقهی (کتاب روزه)
نویسنده	احمد الحسن <small>علیه السلام</small>
گردآوری و تنظیم	علا سالم
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی <small>علیه السلام</small>
نوبت انتشار	دوم
تاریخ انتشار	۱۳۹۶
کد کتاب	۱۳۱/۱
ویرایش ترجمه	اول

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارك سيد احمد الحسن علیه السلام

به تارنماهای زیر مراجعه نمایید .

www.almahdyoon.co/ir
www.almahdyoon.co

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

- پاسخ‌های فقهی کتاب روزه ۷
- نیت روزه: ۱۱
- مبطلات روزه: ۱۳
- زمان‌هایی که روزه در آن صحیح است: ۲۰
- کسانی که روزه‌شان صحیح است: ۲۰
- دیدن هلال: ۲۲
- وقت روزه: ۳۰
- روزه در بیماری و قضای آن: ۳۰
- قضای روزه: ۳۳
- قضای پسر بزرگتر برای آنچه والدینش به جا نیاورده‌اند ۳۵
- آنچه به کفاره روزه تعلق دارد: ۳۸
- سایر مسایل روزه: ۴۱
- شب قدر: ۴۳
- اعتکاف: ۴۴

پاسخ‌های فقهی

کتاب روزه

بسم الله الرحمن الرحيم

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين الاثمه و المهدیین و سلم تسليماً

از حارث بن مغیره نصری روایت شده است: به ابو عبد الله (علیه السلام) عرض کردم: امام قائم (علیه السلام) با چه چیزی شناخته می شود؟ حضرت فرمود: **(با سکینه و وقار)**. عرض کردم: و با چه ابزاری؟ فرمود: **(او را با حلال و حرام می شناسی، و اینکه مردم به او نیازمندند و او به احدی نیازمند نیست، و سلاح رسول ﷺ خدا نزد او می باشد)**. گفتم: آیا او جز وصی فرزند وصی خواهد بود؟ فرمود: **(جز این نخواهد بود که او وصی و فرزند وصی است)**.^(۱)

در پرتو این راه آشکار و روشن الهی - که آل محمد (علیهم السلام) در شناساندن امام قائم (علیه السلام) تبیین فرموده اند - ۹۳ پرسشی را که به طور معمول بیش تر مردم مبتلا به شان می باشند به انصار خداوند - انصار امام مهدی (علیه السلام) - تقدیم می کنم؛ پرسش هایی که در رابطه با احکام روزه و اعتکاف به سید **احمد الحسن** (علیه السلام) ارایه شده و مضمون بیش ترشان در فصل روزه کتاب (احکام نورانی اسلام) (شرایع الاسلام) نیامده است؛ از این رو تدوین این پاسخ ها در قالب بخش هایی لازم بود و به این ترتیب شفاف و روشن بودن عبارات مربوط به این احکام را همان طور که آل محمد (علیهم السلام) - که جانم فدایشان باد - روشن فرموده اند خواهیم دید.

آقای من، **احمد الحسن**... هر چند میان ما و شما حایلی تقدیر شده است و روزها در انتظارت به ماه ها و سال ها منتهی شد، و شما آواره و رانده شدی، اما لطف و رحمت خود را از ما که خطا کارانی تقصیر کار در حق شما آل محمد (علیهم السلام) هستیم

دریغ نفرمودی؛ جز این نیست که دست ما را بگیری و به راه راست استوار الهی رهنمون سازی و حلال و حرامش را به ما بنمایانی، تا آن حلقه پاک به ولایت شما تکمیل گردد؛ همان ولایتی که خداوند سبحان عهد و میثاقش را از خلائق گرفته است.

ای پسر رسول خدا! آنچه را که از شرع خداوند - که با پاسخ دادن به سوالاتی که بر شما عرضه شده است برای ما روشن ساختی - گردآوری نمودم، تقدیم پیشگاه‌تان می‌کنم؛ سوالاتی که با تمام قساوت و سنگدلی این روزگار و اهالی‌اش اقدام به پاسخ دادن‌شان نمودی؛ احکام و شریعتی که اینگونه اراده شده بود که همچون غیبت شما غایب و پنهان بمانند تا عالمان بی‌عمل زندگانیِ مردمان را با احکام و دستوراتی که به هیچ وجه راهی به دین خدا و شرع او ندارند آکنده سازند. از خدای سبحان مسئلت دارم و امیدوارم که برای برپا شدن دین و حاکمیتش شما را در زمینش تمکین دهد؛ و سپاس و ستایش تنها از آن خداوند، آن پروردگار جهانیان است.

۲۸ ربیع الثانی ۱۴۳۲^(۱)

علا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين الاثمه و المهديين و سلم تسليماً

پاسخ‌های فقهی سید احمد الحسن (علیه السلام) را در مورد پرسش‌هایی که در خصوص مسائلی مربوط به روزه و در ادامه آن اعتکاف از ایشان پرسیده شده است تقدیم به مؤمنان می‌کنم. این پرسش‌ها را به همان ترتیب مطرح شده در کتاب احکام نورانی اسلام (شرایع اسلام) سید احمد الحسن (علیه السلام) مرتب نموده‌ام.

نیت روزه:

پرسش ۱:

وقت نیت روزه شب است یا هنگام فجر؟

پاسخ:

متن کتاب شرایع واضح است؛ اینکه وقت نیت از شب تا زوال (اول ظهر) است، و فقط در ماه رمضان می‌توان نیت را بر آن مقدم شمرد. این متن کتاب شرایع است: «در ماه رمضان و در غیر ماه رمضان کافی است که روزه را جهت تقرب به خدا نیت کند، و اگر در شب، نیت کردن را فراموش کرد می‌تواند تا قبل از زوال (اذان ظهر) نیت کند. اگر اذان ظهر فرا رسید مهلت نیت تمام شده است، چه روزه‌اش واجب باشد و چه مستحب؛ فقط برای روزه‌ی ماه رمضان می‌تواند نیت را بر ماه رمضان مقدم کند و اگر اینگونه نیت کرد و وارد ماه رمضان شد و فراموش کرد دوباره نیت کند (یعنی پس از وارد شدن به ماه رمضان نیت نکرد) و اولین روز را روزه گرفت، همان نیت اول کافی است (یعنی نیتی که قبل از

داخل شدن ماه رمضان انجام داده بود)، و به این ترتیب می‌توان برای روزه گرفتن تمام ماه رمضان، تنها یک نیت کرد».

پرسش ۲:

اگر شب نیت نکرده باشد و در روز تا قبل از ظهر نیت نکند، با رد شدن خورشید از ظهر (زوال) نیت از دست می‌رود. اگر روزه واجب باشد به عنوان مثال روزه ماه رمضان یا روزی که روزه‌اش با نذر واجب شده است- چه باید کند؟

پاسخ:

اگر نیت نکرد تا اینکه خورشید از ظهر رد شد، روزه‌اش چه واجب باشد و چه مستحب از او پذیرفته نیست، و بر او واجب است روزه واجب را قضا نماید و اگر به عمد نیت را ترک نماید باید قضایش را به جا آورد و کفاره بدهد.

پرسش ۳:

اگر شب نیت روزه نداشت و وقتی صبح شد نیت روزه واجب مثل روزه قضا یا روزه مستحبی کند، آیا روزه‌اش صحیح است؟

پاسخ:

همان‌طور که از کتاب شرایع برمی‌آید، صحیح است. وقت نیت تا اول ظهر است؛ بنابراین تا هنگامی که مرتکب مبطلات روزه نشده باشد، تا پیش از گذشتن خورشید از ظهر می‌تواند نیت کند.

پرسش ۴:

اگر کسی نیت باطل کردن روزه و سپس مجدداً نیت روزه کند، آیا حکمش اگر

پیش از ظهر یا بعد از ظهر باشد متفاوت می شود؟

پاسخ:

اگر نیت روزه کرد، سپس نیت باطل کردن روزه نمود ولی روزه را باطل نکرد و سپس مجدداً نیت روزه نمود، روزه اش صحیح است، چه نیت باطل کردن روزه پیش از ظهر بوده باشد و چه بعد از ظهر.

پرسش ۵:

کسی که (روزه) ماه رمضان را قضا می کند اگر پیش از ظهر بخواهد افطار کند ولی مرتکب مبطلات روزه نشود و روزه اش را ادامه دهد، آیا قصد افطار و باطل کردن روزه بر صحیح بودن روزه اش تاثیر می گذارد؟

پاسخ:

پاسخ در جواب پرسش ۴ موجود است.

مبطلات روزه:

پرسش ۶:

دروغ بر خدا و پیامبرش و حجت هایش ائمه و مهدیین جزو مبطلات روزه است. آیا این حکم شامل تکذیب رؤیاهای صادقانه و مکاشفه و همچنین نپذیرفتن و تکذیب روایات آل محمد علیهم السلام یا پناه بر خدا- نفی مقام یا حق ثابت شده آنها نیز می شود؟

پاسخ:

دروغ بستن غیر از تکذیب یا تصدیق نکردن است، و آنچه روزه را باطل می‌کند دروغ بستن است نه تکذیب، اگرچه تکذیب کننده، گناه کار است. دروغ شمردن رؤیا و مکاشفه باطل کننده نیست، اگرچه انجام دهنده‌اش گناه کار است؛ و برای اینکه شخصی متّصف به صفت دروغ‌گویی شود باید حقیقت برای او واضح و آشکار باشد و او از روی عمد و در جهت پیروی از خواست نفسانی یا هدفی دیگر در نفسش، یا از روی تقلید از دیگران و ... با آن مخالفت کند. بنابراین کسی که حق برایش مشتبه شده (روشن نیست) یا فراموش کار است یا کسی که عمدی ندارد، با صفت دروغ‌گو بودن توصیف نمی‌شود.

پرسش ۷:

آیا بر روزه‌دار واجب است به محض محتمل شدن (جنب شدن) در روز غسل کند؟

پاسخ:

واجب نیست.

پرسش ۸:

رسانیدن غبار غلیظ به حلق یکی از مبطلات روزه است. آیا بر روزه‌دار وقتی که بداند غبار ناخواسته به حلقش می‌رسد مثلاً هنگامی که هوا به شدت غبارآلود است، واجب است، مانعی (جلوی دهانش) بگیرد؟

پاسخ:

گرفتن مانع، بر او واجب نیست. هر چند افضل و بهتر است که مانعی بگیرد تا غبار به حلقش نرسد.

پرسش ۹:

آیا دود ناشی از احتراق سوخت در اتومبیل‌ها، ابزار و وسایل و نظایر اینها بر روزه تاثیر می‌گذارد؟ و آیا دوری از آن واجب است؟

پاسخ:

اثری ندارد و دوری از آن واجب نیست.

پرسش ۱۰:

آیا روزه‌دار می‌تواند دندان‌هایش را با مسواک و خمیردندان تمیز کند؟ به خصوص اگر به خاطر بیماری دندان عادت به این کار داشته باشد؟

پاسخ:

جایز است.

پرسش ۱۱:

در حین بیمار شدن انسان به برخی از بیماری‌ها مثل سرماخوردگی و امثال آن، به طور معمول ترشحاتی که از سر به دهان سرازیر می‌شود زیاد می‌گردد، آیا بلعیدن آن به صورت عمدی و یا به صورت غیر عمدی بر روزه تاثیر می‌گذارد؟

پاسخ:

جواب در کتاب شرایع موجود و این متن آن است: (فرو بردن خلط‌های گلو و آب دهان روزه را باطل نمی‌کند هر چند عمدی باشد، البته تا وقتی که از فضای

دهان خارج نشده باشد، اما آنچه (خلط‌هایی که) از سر می‌آید اگر به حلق برسد، در صورت بلعیدن غیر عمدی روزه‌اش باطل نیست، اما اگر عمداً آن را بلعد روزه‌اش باطل است).

پرسش ۱۲:

ممکن است خلط از جایش جدا و داخل دهان شود؛ آیا در این صورت بلعیدنش -حتی اگر به عمد باشد- جایز است؟ یا جزو ترشحات فرو ریخته از سر به حساب می‌آید که بلعیدن عمدی آن روزه را باطل می‌نماید؟

پاسخ:

بلعیدنش تا زمانی که از دهان جدا نشده، جایز است.

پرسش ۱۳:

آیا کشیدن یا معالجه دندان در وقت روزه به صورت اختیاری در حالی که می‌داند نمی‌تواند مانع از رسیدن ترشحات به حلق شود، جایز است؟ و به صورت کلی، آیا فرو بردن خون به همراه بزاق روزه را باطل می‌کند؟ چه با آگاه بودن به وجود خون در دندان‌ها و چه با داشتن شک و تردید در این خصوص؟

پاسخ:

فرو بردن خون به صورت عمدی حرام و موجب بطلان روزه است، و اگر به عمد نباشد روزه را باطل نمی‌کند. کشیدن یا معالجه یا هر عملی در دهان یا مانند آن در زمان روزه داری، اگر بداند (یقین داشته باشد) که آن کار موجب فرو بردن خون یا ترشحات می‌شود، جایز نیست.

پرسش ۱۴:

قطره‌هایی (داروهایی) که در بینی یا گوش مریض ریخته می‌شود، آیا حکم اماله با مایع را دارد و روزه را باطل می‌کند یا خیر؟

پاسخ:

روزه را باطل نمی‌کند مگر اینکه به حلق انسان برسد.

پرسش ۱۵:

آیا استعمال اسپری (آسم) در صورت اضطرار در روز ماه رمضان روزه را باطل می‌کند؟

پاسخ:

باطل کننده نیست.

پرسش ۱۶:

برخی بیماری‌ها طول درمان دارند. آیا این عذری موجه برای روزه نگرفتن می‌شود؟ و اگر تمام سال اینچنین و تحت درمان باشد، چگونه می‌تواند قضای روزه‌هایش را به جا آورد؟

پاسخ:

چنین شخصی اگر در طول مدت روزه نمی‌تواند درمانش را متوقف کند و نمی‌تواند به جای خوردن (دارو) معالجه را از طریق تزریق در عضله یا رگ انجام دهد، بیماری محسوب می‌شود که خوردن روزه برایش جایز است و اگر بیماری‌اش تا ماه رمضان سال بعد ادامه پیدا کند، قضای روزه از او ساقط است و

باید به ازای هر روز، یک مُد ($\frac{3}{4}$ کیلوگرم) غذا به فقرا بدهد.

پرسش ۱۷:

داروهایی وجود دارد که خوردن‌شان بدون نوشیدن آب امکان‌پذیر است؛ مثل بعضی از قرص‌های کوچک و نظایر آن. آیا اینها روزه را باطل می‌کنند؟

پاسخ:

خوردن قرص روزه را باطل می‌کند.

پرسش ۱۸:

گاهی اوقات اماله با مایع برای تمیز کردن رحم زن که نامش «شستشوی مهلبلی» است، یا اماله از طریق مجرای ادرار مردان برای معالجه برخی از بیماری‌ها به کار می‌رود. آیا چنین عملی روزه را باطل می‌کند؟

پاسخ:

اماله از جلو (آلت مرد یا فرج زن) روزه را باطل نمی‌کند، و تزریق در عضله یا رگ هم روزه را باطل نمی‌کند مگر اینکه مواد مغذی باشد که در این صورت باطل‌کننده است. اما اماله با مایع از پشت روزه را باطل می‌کند؛ مانند اماله‌ای که برای تمیز کردن دستگاه گوارش برای انجام نمونه برداری یا معالجه انجام می‌شود.

پرسش ۱۹:

در کتاب شرایع آمده است: (سوم: هر چیزی که بدون عبور از حلق، به شکم برسد روزه را باطل می‌کند، غیر از اماله با مایع)، ولی معنایش برایم روشن نیست.

پاسخ:

اماله با مایع در عضله یا رگ (تزریق) باطل کننده روزه نیست، اما اماله با مایع در پشت باطل کننده روزه است.

پرسش ۲۰:

حکم انتقال خون (از ملکف یا به ملکف) هنگام روزه‌داری چیست؟

پاسخ:

جایز است و روزه را باطل نمی‌کند.

پرسش ۲۱:

آیا هر چیزی که موجب غسل می‌شود روزه را نیز باطل می‌کند؟ مثلاً آیا مسّ میّت روزه را باطل می‌کند؟

پاسخ:

فقط چیزهایی که در کتاب شرایع و توضیحات آنها ذکر کردم روزه را باطل می‌کند، اما مسّ میّت روزه را باطل نمی‌کند.

پرسش ۲۲:

کسی که روزه‌اش را با یکی از مبطلات روزه باطل کرده است، آیا خودداری (از مبطلات روزه) در طول روز بر او واجب است؟

پاسخ:

از روی استحباب خودداری کند.

زمان‌هایی که روزه در آن صحیح است:

پرسش ۲۳:

آیا اعتماد کردن به بعضی از رسانه‌ها یا تلویزیون و مانند آنها که در بعضی از کشورهای اسلامی موجود است، در مورد طلوع فجر جایز می‌باشد؟ یا باید خود شخص تحقیق و اطمینان حاصل نماید؟ و اگر آگاهی به زمان دقیق اوقات شرعی ندارد چه کار کند؟

پاسخ:

تلویزیون یا دیگر رسانه‌های نظیر آن مثل تقویمی که پیش‌تر در مورد آن پرسیدید- باید در مورد بعضی از اوقاتش تحقیق شود تا میزان دقت و مطابقت آن با وقت شرعی مشخص شود. این جوابی است که پیش‌تر دادم: (اگر تقویم موافق با اوقات شرعی باشد عمل به آن جایز است. بنابراین باید ابتدا در مورد تقویم تحقیق شود و میزان مطابقت آن با وقت شرعی -پیش از عمل کردن به آن- بررسی گردد).

کسانی که روز ه‌شان صحیح است:

پرسش ۲۴:

آیا روزه تبرّعی (مجاناً) از بچّه ممیّز به نیابت از مرده‌ای که پسر بزرگش از انجام آنچه بر عهده‌اش بوده کوتاهی کرده، صحیح است؟

پاسخ:

روزه‌اش صحیح است و کفایت می‌کند.

پرسش ۲۵:

حکم دختر بچه‌ای که به بلوغ رسیده ولی به خاطر کوچک بودنش احکام روزه را رعایت نمی‌کند و مرتکب مبطلات روزه می‌شود - گاهی آگاهانه و گاهی از روی ناآگاهی - چیست؟ و اگر اکنون بزرگ شده باشد آیا قضای روزه‌های گذشته و کفاره‌شان واجب می‌باشد؟ اگر تعداد روزهایی که در آن مبطلات را مرتکب شده است نمی‌داند چقدر قضا به جا آورد و چقدر کفاره بدهد؟

پاسخ:

انسان بالغ اگر روزه‌اش را به عمد باطل کند بر او قضا و کفاره واجب می‌شود، و اگر در به جا آوردن قضا تا رمضان سال بعد کوتاهی کند باید علاوه بر کفاره باطل کردن عمدی روزه، یک مد هم کفاره بدهد، اما اگر باطل کردن روزه از روی جهل و ناآگاهی بوده باشد، فقط قضا بر عهده‌اش می‌باشد.

پرسش ۲۶:

طبق آموزه‌های شرع مقدس: پدر و مادر با پسر یا دختری که روزه بر آنها واجب است ولی روزه نمی‌گیرند، چگونه رفتار کنند؟

پاسخ:

بر پدر و مادر واجب است کارهایی که بعد از بلوغ بر پسران یا دختران واجب می‌شود را پیش از بلوغ به آنها بیاموزند. سپس بر آنها واجب است تا پسران و دختران را بر انجام دادن واجبات و ترک محرمات تشویق کنند، و حتی تا رسیدن به سن ۱۸ سالگی با آنها همراهی نمایند.

پرسش ۲۷:

حکم دختر بچه‌ای که به بلوغ رسیده و می‌خواهد روزهای بسیار گرم که جز با سختی فراوان برایش به پایان نمی‌رسد را روزه بگیرد، چیست؟

پاسخ:

جایز و صحیح است، مگر اینکه روزه موجب ضرری برایش گردد.

پرسش ۲۸:

اگر عذر (کافر، بچه، دیوانه یا بیهوش) پیش از ظهر برطرف شود و مرتکب مبطلات روزه نشده باشد، حکم چیست؟ آیا روزه بر آنها واجب می‌شود؟

پاسخ:

واجب است.

پرسش ۲۹:

اگر مسافر روزه بگیرد، آیا مرتکب حرام شده و گناهکار است؟ یا فقط روزه‌اش باطل می‌باشد؟

پاسخ:

اگر به حکم آگاه باشد، گناهکار است؛ چرا که به طور عمد یا از روی سبک شمردن حکم خدا و یا سبک شمردن و تکذیب کردن بازگو کننده شرع که جانشین خداوند است، با حکم خدا مخالفت کرده است.

دیدن هلال:

پرسش ۳۰:

حکم پیدا کردن ماه برای مؤمنان چیست؟

پاسخ:

استهلال (جستجوی هلال ماه) بر مؤمنان واجب است و اگر عده‌ای که شهادت‌شان صحیح باشد اقدام به این کار نمایند از دیگران ساقط می‌گردد.

پرسش ۳۱:

چه وقتی باید به رؤیت و استهلال ماه رمضان پرداخت؛ در روز یا هنگام صبح یا بعد از ظهر یا پیش از ظهر، یا هنگام پیدا شدن شفق یا پس از آن یا پیش از آن و یا مواقع دیگر؟

پاسخ:

آغاز استهلال و رؤیت هلال ماه، بعد از ظهر روز بیست و نهم ماه قبل است (که در مورد ماه رمضان، ماه شعبان می‌شود) و استهلال تا نیمه شب ادامه می‌یابد؛ اگرچه به طور معمول دیدن هلال پس از پنهان شدن خورشید و پیش از رفتن شفق، تمام می‌شود.

پرسش ۳۲:

آیا موارد زیر از شروط استهلال کننده مؤمن هستند؟ بلوغ، سلامت بینایی^(۱)، عدالت، یکی بودن مکان و زمان برای مشاهده کنندگان، نگاه مستقیم^(۲)، اطمینان

۱- یعنی بینایی‌اش ضعیف نباشد اما کسی که از عینک و با استفاده از آن بینایی‌اش کامل می‌گردد، شامل این حکم نمی‌شود. (مترجم)

۲- یعنی دیدن باید با چشم صورت گیرد نه با دوربین، تلسکوپ، پریسکوپ یا آینه. (مترجم)

داشتن از رؤیت، مهارت و تجربه در تشخیص^(۱).

پاسخ:

بلوغ، عقل و عدالت از جمله شروط است.

پرسش ۳۳:

در مورد یکی از موارد اثبات رؤیت هلال گفته شده: (به صورت شایع رؤیت شده باشد). سوال این است که آیا این شایع بودن به جامعه مؤمنان اختصاص دارد یا شامل غیرمؤمنان هم می‌شود؟

پاسخ:

شایع بودن رؤیت مختص به مؤمنان نیست.

پرسش ۳۴:

شایع شدن در زمان ما از طریق رسانه‌های جمعی نیز حاصل می‌شود. آیا بر این نوع شایع بودن هم می‌توان اعتماد نمود؟

پاسخ:

شایع بودن در بین مردم به این صورت می‌باشد که آنها خودشان دیده باشند؛ یعنی اگر از مردم بررسی بسیاری از آنها بگویند هلال را دیده‌اند به طوری که شما اطمینان پیدا می‌کنی که آنها بر دروغ تبنانی نکرده‌اند.

پرسش ۳۵:

۱- یعنی دارای دانش و قدرت تشخیص نظری باشد؛ به عبارت دیگر در تشخیص و استهلال قدرت درک داشته باشد. (مترجم)

در مورد رؤیت هلال، آیا شهادت دادن دو نفر بر رؤیت هلال بدون آگاه شدن از ثابت شدن شروع ماه کفایت می کند؟ یعنی اگر مرد یا زن مؤمنی نقل کند که دو نفر هلال را دیده اند آیا بر شنونده آمدن ماه براساس اعتماد به سخن این شخص- اثبات می گردد؟

پاسخ:

ثابت نمی شود.

پرسش ۳۶:

اگر شنونده، شخصی باشد که به هر دلیلی مثلا زندانی بودن یا سایر دلایل- نمی تواند از خبر نقل شده یقین حاصل کند، ولی با توجه به سخن خبر دهنده ظن و گمانش غلبه کند بر اینکه وارد ماه شده است، آیا این اعتماد و تکیه کردن بر این شخص، روزه اش را کفایت می کند؟

پاسخ:

کفایت می کند مگر اینکه در آینده خلافش آشکار شود.

پرسش ۳۷:

در مورد ثابت شدن هلال آمده است: (و با شهادت زن ها نیز ثابت می شود). سوال: آیا شهادت دو زن یک شهادت حساب می شود؟ و یا به عبارت دیگر آیا نیاز به شهادت چهار زن داریم؟

پاسخ:

با شهادت یک مرد و دو زن ثابت می شود.

پرسش ۳۸:

(رؤیت هلال با شهادت دادن یک نفر ثابت نمی‌گردد). سوال: حتی اگر شهادت این یک نفر برای شنونده علم آور باشد؟

پاسخ:

با شهادت یک نفر ثابت نمی‌شود.

پرسش ۳۹:

آیا یکی بودن افق و یا تعدد آن در مشخص کردن هلال تأثیری دارد؟

پاسخ:

این جواب سوالی است که مشابه این سوال می‌باشد و در کتاب پاسخ‌های روشنگر موجود است: (در خصوص زمان پیدایش هلال، ارتباطی با افق منسوب به مکان ناظر، وجود ندارد اما رؤیتش با چشم قطعاً متأثر از افق می‌باشد؛ زیرا وابسته به مکان ناظر است. هنگامی که امام عادل (علیه السلام) حکم به اول ماه قمری یا پایان آن بدهد، برای همه اهل زمین بدون توجه به رویت آن با چشم و یا امکان یا عدم امکان آن، اثبات می‌شود).

پرسش ۴۰:

آیا امکان دارد سرزمین‌ها در اول ماه رمضان یا روز عید دچار اختلاف شوند؟ و این اختلاف چگونه می‌باشد؟

پاسخ:

براساس اثبات رؤیت به روشی که در کتاب شرایع بیان کردم اختلاف پیدا

می‌کنند؛ اما در زمان حضور امام عادل و حکم ایشان به اول ماه قمری، برای همه سرزمین‌ها ثابت می‌گردد.

پرسش ۴۱:

در کتاب شرایع آمده است: (اگر هلال در یک منطقه دیده شود در تمام مناطق دیگر که از لحاظ ساعت با هم بیش‌تر از یک چهارم شبانه روز یعنی شش ساعت فاصله ندارند ثابت می‌شود). سوال: در مورد سرزمین‌هایی که تأخر یا تقدمشان از سرزمین رؤیت شده بیش‌تر از این مقدار باشد چطور؟ به طور مثال اگر هلال، غروب روز پنج‌شنبه در منطقه خاور میانه دیده شود، روز جمعه اول ماه مبارک خواهد بود، حال برای استرالیا که بیش از شش ساعت جلوتر از خاور میانه و یا آمریکا که بیش‌تر از شش ساعت از آن عقب‌تر است، روز اول ماه چه موقعی خواهد بود؟

پاسخ:

همان‌طور که مشخص است، اول هر ماه در هر سرزمینی، بر حسب ثابت شدن دیده شدن هلال در آنجا یا در سرزمین‌هایی که می‌توان بر دیده شدن هلال در آنها اعتماد نمود، می‌باشد، اما اگر امام حاضر باشد، حکم او در مورد آغاز ماه تمامی سرزمین‌ها را دربرمی‌گیرد.

پرسش ۴۲:

آیا دیدن هلال با چشم غیرمسلح شرط است؟ یا صرفاً دیدن ماه کفایت می‌کند حتی اگر با استفاده از تجهیزات مدرن امروزی مانند تلسکوپ و نظایر آن باشد؟

پاسخ:

می‌توان از تجهیزات و وسایل برای معین کردن مکان، ارتفاع و سمت و سو استفاده کرد اما دیده شدن هلال تنها با چشم غیر مسلح ثابت می‌گردد.

پرسش ۴۳:

اگر فرض کنیم افق در منطقه‌ای که در آن انتظار دیدن هلال وجود دارد، ابری و به هیچ وجه امکان رویت با چشم وجود نداشته باشد، آیا می‌توان بر اساس سی‌امین روز شعبان عمل کنیم یا راه حل دیگری وجود دارد؟

پاسخ:

راه حل‌های دیگری را در جاهای دیگر بیان کرده‌ام که یکی از آنها ثابت شدن رویت در کشوری دیگر بنا بر آنچه بیان شده است می‌باشد.

پرسش ۴۴:

نظر منجمان و همانند آنها در مشخص کردن رؤیت هلال و یا معین کردن روزهای اول و آخر ماه چقدر معتبر است؟

پاسخ:

می‌توان از نظر آنها برای تسهیل در دیدن با چشم بهره جست.

پرسش ۴۵:

آیا دو ماه قمری بیست و نه روزه پشت سر هم امکان‌پذیر است؟

پاسخ:

اول ماه با رؤیت ثابت می‌شود؛ پس در اینکه دو ماه قمری بیست و نه روزه پشت سر هم باشند اشکالی وجود ندارد.

پرسش ۴۶:

در خصوص روزه گرفتن سی ام شعبان آمده است: (اگر با توجه به قرآینی آن روز را به نیت رمضان روزه بگیرد، کفایت می کند). آیا می توانیم بعضی از مصادیق محقق شدن این علامت و قرینه مورد قبول یا غیر مقبول از نظر شرعی را بدانیم؟

پاسخ:

منظور از علامت و قرینه، هر نشانه‌ای است که این ظن که اول ماه رمضان است را تقویت می کند اما برای اینکه ثابت شود کافی نیست مانند شهادت دادن فقط یک مؤمن- و همانطور که در شرایع بیان کردم بهتر و مستحب است که روز سی ام از ماه شعبان را به نیت استحباب روزه بگیرد، اگر بعداً مشخص شد که آن روز جزو ماه رمضان بوده است، روزه‌ی ماه رمضان محسوب می شود.

پرسش ۴۷:

منظور از (شفق) که در شرایع آمده است، چیست: (و نه با پنهان شدن هلال بعد از شفق).

پاسخ:

یعنی حُمرهٔ مغربی (سرخ‌ی مغرب)؛ و منظور از این مطلب این است که هلال روز پیشین اگر بعد از رفتن سرخی مغرب در آسمان باقی بماند معتبر نیست.

پرسش ۴۸:

در شرایع آمده است: (و نه با رؤیت هلال در روز سی ام قبل از زوال (اذان ظهر)). مقصود از این مطلب، چیست؟

پاسخ:

یعنی اگر هلال روزه سی‌ام را پیش از زوال (ظهر) ببیند، امروز اولین روز ماه آینده محسوب نمی‌گردد.

وقت مروزه:

پرسش ۴۹:

هنگامی که هلال رؤیت شود، آیا روزه‌داران اجازه دارند افطار کنند؟

پاسخ:

روزه‌دار روزه‌اش را در همهٔ ایام رمضان تمام می‌کند، و در مورد روز پایانی ماه رمضان نیز به همین ترتیب است، حتی اگر هلال را پیش از غروب آفتاب ببیند.

پرسش ۵۰:

حق تعالی در قرآن می‌فرماید: ﴿أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ﴾ (روزه را تا شب به اتمام رسانید)^(۱). مقصود از این وقت چیست؟ آیا منظور ظاهر شدن اولین ستاره در آسمان است که به معنای وارد شدن در شب می‌باشد و روزه‌دار افطار کند؟

پاسخ:

با وارد شدن به وقت نماز مغرب می‌توان افطار نمود.

مروزه در بیماری و قضای آن:

پرسش ۵۱:

روزه گرفتن بیمار تا هنگامی که ضرری به او نرسد صحیح است. چه کسی این ضرر را تعیین می کند؟ خود مکلف یا پزشک متخصص؟ و اگر اختلاف در تشخیص پیش آمد چگونه؟ آیا نظر متخصص پذیرفته می شود، حتی اگر مکلف گمانی خلاف آن داشته باشد؟

پاسخ:

کسی که ضرر را تعیین می کند متخصص و یا تجربه مکلف می باشد. اگر نظر پزشک متخصص و تجربه برایش فراهم باشد، می تواند به هر کدام که صلاح بیند اعتماد نماید.

پرسش ۵۲:

در خصوص مَرَض و بیماری که به خاطر آن، روزه و قضایش ساقط می گردد، آیا منظور بیماری و خیمی است که طی آن سال منجر به فوت می شود؟ یا به طور مطلق، منظور آن بیماری می باشد که منجر به فوت گردد، هر چند پس از سالیانی باشد؟

پاسخ:

در هر وضعیتی از بیماری اگر شخص بیمار باشد و نتواند ماه رمضان یا قسمتی از آن را روزه بگیرد و بیماری تا ماه رمضان بعد استمرار یابد، قضای آنچه از ماه رمضان پیشین از او فوت شده است از عهده اش ساقط می گردد و به ازای هر روز، یک مُد کفاره می دهد.

پرسش ۵۳:

بیماری‌هایی وجود دارند که گاهی اوقات عوارضی را به همراه دارند و بیمار برخی از ادراکات خود را از دست می‌دهد تا به آنجا می‌رسد که دچار ناتوانی از شناسایی اوقات نماز و مفطرات مانند لخته شدن خون و نظایر آن می‌شود. آیا نماز و روزه و قضای آنها از بیمار ساقط می‌شود؟ یا بر عهده فرزند بزرگترش است تا آنها را انجام دهد؟

پاسخ:

در مورد روزه در مسئله بالا مشخص شد؛ یعنی به عنوان مثال اگر بیماری او تا پنج سال ادامه یافته و بیماری‌اش برطرف نشد، قضا بر عهده‌اش نیست ولی به ازای هر روز یک مُد طعام کفاره می‌دهد. اما در خصوص نماز، گریزی از به جا آوردن آن به هر صورتی که می‌تواند و مناسب وضعیتش می‌باشد و یا به جا آوردن قضای آنچه از او فوت شده است، نیست؛ یا اینکه به جای او قضا شود، یا پس از مرگش از طرف او صدقه داده شود؛ و ما نباید از نماز قضا در شب قدر که خداوند با آن بر ما منت نهاده است غافل شویم.

پرسش ۵۴:

روزه‌های زیادی برای قضا کردن دارد؛ از روزهایی که در سلامت بوده است و همچنین نمازهای بسیار. اکنون بیمار است و در حال درمان. حکم قضا و کفاره آنها چیست؟

پاسخ:

بیماری که قضای نماز و روزه روزهای سلامتی بر گردن دارد، اگر امید به بهبودی دارد پس از بهبود یافتن آن را قضا کند و کفاره بدهد و اگر می‌خواهد با

إطعام مسکینان کفّاره دهد بر او واجب است که حتی قبل از بهبود یافتن اقدام به اطعام مسکینان نماید. اگر بیماری او مُزمن است و نمی‌تواند قضای روزه را به جا آورد فدیۀ مشخص که برابر با $\frac{3}{4}$ کیلوگرم طعام به ازای هر روز می‌باشد بدهد. اما در خصوص نماز، به هر صورت که می‌تواند قضا کند؛ نشسته یا به هر وضعیتی که حالش یا مریضی‌اش اجازه می‌دهد^(۱).

پرسش ۵۵:

منظور از (ذی العطش) (کسی که همیشه عطش دارد و تشنه است) چیست؟ یعنی کسی که می‌تواند در ماه رمضان روزه را بخورد و در برابر هر روز یک مُد طعام صدقه دهد؟

پاسخ:

هر بیماری که تشنگی به او ضرر می‌رساند.

قضای مروّنه:

پرسش ۵۶:

قضای روزه چگونه است؟ آیا یک روز در برابر هر روزی است که افطار کرده؟ یا چیز دیگری است؟

پاسخ:

۱- این پاراگراف در اصل عربی کتاب نبود که از پاسخ پاسخ‌های روشنگر جلد ۲ پاسخ سوال ۱۵۹ اضافه گردید (مترجم).

در برابر هر روزی که افطار کرده است یک روز روزه قضا به جا می‌آورد.

پرسش ۵۷:

حکم کسی که بعد از ۱۳ رجب به دعوت ایمان آورده است اگر قضای روزه یک ماه را بدهکار باشد طبق آنچه در بیانیه مذکور آمده است، چیست؟

پاسخ:

باید قضایش را به جا آورد.

پرسش ۵۸:

اگر قضای روزه را تا رمضان سال آینده به تأخیر اندازد بر او به ازای هر روز دادن یک مُد طعام به عنوان فدیة به علاوه قضای آن روز، واجب می‌باشد؛ حال اگر تا رمضان پس از آن نیز به تأخیر بیندازد، آیا با گذشت دو سال فدیة دو برابر می‌شود؟

پاسخ:

دو برابر نمی‌شود.

پرسش ۵۹:

در شرایع آمده است: (اگر روزه نذر معین را بشکند قضا بر او واجب است و همچنین باید کفّاره آن را به جا آورد). منظور از (روزه نذر معین) چیست؟

پاسخ:

یعنی او وقت معینی را نذر کرده باشد، مثل روزهایی مشخص از ماه‌هایی مشخص از سالی مشخص.

قضای پسر بزرگتر برای آنچه والدینش به جا نیاورده اند

پرسش ۶۰:

در خصوص پسر بزرگتری که قضای آنچه از نماز و روزه از والدینش فوت شده بر او واجب است، آیا کس دیگری می تواند به او کمک کند؟ و اگر کسی قضای آنها را از سر احسان داوطلبانه انجام دهد، آیا آن پسر گناهکار است؟ چه کوتاهی کرده باشد، چه نکرده باشد؟

پاسخ:

در شرایع آمده است (و اگر کسی داوطلبانه آنها را انجام دهد از بقیه ساقط می شود)؛ یعنی اگر یک یا چند نفر داوطلبانه قضا را به جا آورند و جوب از پسر بزرگتر ساقط می شود. اگر این داوطلبانه انجام دادن توسط دیگران بدون هیچ قصور و کوتاهی از سوی پسر بزرگتر باشد او گناهکار نیست، اما اگر در قضای آنچه به ذمه والدینش بوده کوتاهی کرده باشد، او گناهکار است.

پرسش ۶۱:

در شرایع در خصوص قضای بدل از میت آمده است: (اگر میت دو یا چند ولی داشته باشد که از نظر سنّی با هم برابر بودند (حتی از نظر لحظه‌ی تولد) قضای اعمال میت را به صورت مساوی انجام می دهند). چگونه به طور مساوی قضا را به انجام می رسانند؟ آیا بر آنها واجب است آنچه از میت فوت شده است را به تساوی بینشان قسمت کنند؟ یا صرفاً قضای او را به جا آوردن کفایت می کند، حتی اگر یکی از آنها بیش از دیگری به جا آورد؟

پاسخ:

یعنی از نظر وجوب قضا از طرف مرده، برابر هستند؛ پس اینگونه نخواهد بود که بر یکی واجب باشد و بر دیگری نه؛ و واجب نیست یک نفر بیش از دیگری قضا به جا آورد، بلکه قضا را بینشان به تساوی قسمت کنند؛ و اگر یکی از آنها داوطلبانه قضای هر آنچه بر ذمه مرده است را تقبل کند از دیگران ساقط می‌گردد.

پرسش ۶۲:

چنانچه نوادگان شخصی بدانند که نماز و روزه‌ای بر عهده پدر بزرگ و یا مادر بزرگ بوده است و فرزندی ندارند (تا برای آنها قضا کند) و مالی از آنها بر جا نمانده تا از طرفشان صدقه داده شود، حکم چیست؟

پاسخ:

برای آنها مستحب است تا آنچه از آنها فوت شده است را قضا کنند و یا از طرف آنها صدقه بدهند.

پرسش ۶۳:

آمده است: (... و بی‌اعتنایی و سستی او نسبت به آن - یعنی قضا کردن آنچه بر ذمه والدینش است - نافرمانی حرام می‌باشد). آیا این نافرمانی، فقط نسبت به پدر و مادر است و یا اجداد را نیز شامل می‌شود؟

پاسخ:

تنها والدین را شامل می‌شود.

پرسش ۶۴:

چنانچه پسر بزرگ کوتاهی کند و آنچه بر عهده پدرش بوده را به جا نیاورد و شخص دیگری مثلاً دختر شخصِ مرده- بخواهد به مقدار روزه‌هایی که بر عهده پدرش بوده به نیابت از او صدقه بدهد؛ آیا او می‌تواند چنین کند و ذمه پدرش بری می‌شود؟

پاسخ:

جایز است.

پرسش ۶۵:

اگر فرض شود که میت می‌توانسته برخی از آنچه از او فوت شده است را قضا کند (مثل اینکه هفته آخر ماه رمضان بیمار شده و در روز اول شوال شفا پیدا کرده باشد و در روز پنجم شوال نیز از دنیا برود)؛ حال آیا قضای آنچه از بیمار فوت شده بر فرزندش واجب است (در این مثال، هفته آخر)؟

پاسخ:

این پاسخ از شرایع است: (فقط قضای روزه‌ای که میت می‌توانسته قضای آن را به جا آورد و اهمال کرده است بر ولیّ او واجب است، مگر آنکه میت در سفر بمیرد و روزه آن سفر بر وی قضا شده باشد، که قضایش بر ولیّ واجب است).

پرسش ۶۶:

و آیا حکم تفاوتی می‌کند، اگر پس از شفا از بیماری به آنچه او را از روزه گرفتن باز می‌دارد مشغول شود (مثلاً از روز اول تا چهارم شوال به سفر برود و یا به عملی مشغول شود و روز پنجم نیز از دنیا برود)؟ آیا در مثل چنین وضعیتی،

قضا بر فرزند واجب است؟

پاسخ:

پاسخ در پاسخ پیشین بیان گردید.

پرسش ۶۷:

اگر كفاره يا واجبات ديگري (مانند حج، زكات و بازگرداندن حقوقی به صاحبش) بر عهده میّت باشد، آیا احقاق این حقوق نیز همانند نماز و روزه بر عهده پسر بزرگتر است؟

پاسخ:

به طور خاص بر عهده پسر بزرگتر نیست.

آنچه به كفاره مرونه تعلق دارد:

پرسش ۶۸:

آیا كفاره افطار عمدی روزه در صورت دانستن حکم واجب می گردد، یا کسی که با ناآگاهی از حکم افطار می کند را هم شامل می شود؟

پاسخ:

شامل کسی که از حکم آگاهی ندارد نمی شود.

پرسش ۶۹:

كفاره بزرگ اختیاری برای کسی که زمانی افطار کرده است، کدام می باشد؟

پاسخ:

کفاره اش کفاره خوردن (عمدی) یک روز از ماه رمضان است که بین غذا دادن (اطعام)، گرفتن روزه یا آزاد کردن برده، اختیار دارد.

پرسش ۷۰:

آیا در کفاره گرفتن هجده روز (که شخص از گرفتن دو ماه روزه ناتوان می باشد) پشت سر هم بودن نیز شرط است؟

پاسخ:

خیر، شرط نیست.

پرسش ۷۱:

اگر شخصی با استغفار کفاره را به جا آورد و پس از استغفار، توانایی پیدا کند و بتواند یکی از این کفاره‌ها را بدهد مانند آزاد کردن بنده یا اطعام شصت فقیر- یا اینکه پس از استغفار فقط بر روزه گرفتن پی در پی در دو ماه استطاعت یابد، تکلیف چیست؟

پاسخ:

اگر کفاره اش را بدهد پس از ادا کردن دیگر چیزی بر عهده اش نیست، حتی اگر کفاره او استغفار بوده باشد.

پرسش ۷۲:

و اگر بنده ای پیدا نکند و بخواهد بهای آن را به امام یا وصی او یا کسانی که آنها برای این وظیفه منصوب کرده اند بپردازد، در این زمان قیمت آزاد کردن بنده چقدر است؟

پاسخ:

قیمت گذاری و نیز ساقط کردن آن یا برخی از آن بر عهدهٔ امام است.

پرسش ۷۳:

در کتاب شرایع آمده است: (تزدیکی تا قبل از اذان صبح جایز است به شرط اینکه بداند به مقدار انجام آن و غسل کردن وقت دارد، و اگر مطمئن باشد که وقت کم است و (با این حال) جماع کند، روزه اش باطل است و کفاره هم بر او واجب می‌شود). سوال در مورد حکم قضا است؛ آیا می‌توانیم بگوییم: هر جا کفاره واجب می‌شود قضا نیز واجب می‌باشد؟

پاسخ:

اگر روزه اش در ماه رمضان باطل شود قطعاً قضای روزه بر او واجب می‌گردد.

پرسش ۷۴:

کسی که حکمش کفاره دادن و صدقه دادن با یک مد طعام باشد و توانایی پرداخت آن را نداشته باشد، حکمش چه خواهد بود؟

پاسخ:

استغفار.

پرسش ۷۵:

در رابطه با مُد طعام که در برخی مسایل مربوط به روزه با آن کفاره داده می‌شود، آیا شرط خاصی را شامل می‌شود؟ یا غذا به هر کیفیتی که باشد کفایت می‌کند؟ و آیا صرف اینکه پخته باشد مثل برنج پخته با وزن $\frac{3}{4}$ کیلو گرم یا مثلاً

بعضی از انواع نان و شیرینی یا لبنیات یا میوه یا سبزیجات یا شبیه اینها با همان وزن مذکور، کفایت می‌کند؟

پاسخ:

آنچه قوت غالب باشد؛ مانند گندم و جو یا چیزی که با اینها مطابقت کند و برنج، خرما، میوه یا سایر موارد؛ و می‌تواند پخته یا به صورت کنسرو نیز باشد مثل کمپوت، مواد غذایی کنسرو شده، شیرینی جات، برنج پخته و نظایر اینها.

پرسش ۷۶:

آیا تکرار بیش از یک بار برای یک فقیر کفایت می‌کند و حسابش به مقدار دفعاتی است که تکرار کرده است؟

پاسخ:

اگر کفاره‌ها متعدد باشد جایز است.

پرسش ۷۷:

در قسمت چهارم از روزه کفاره آمده است: «چهارم: کفاره رتبه‌بندی شده قابل اختیار؛ (در کفاره‌ها رتبه‌بندی وجود دارد و اگر نتوانست اولی را انجام دهد، مخیر است که بعدی را انتخاب کند): کفاره مردی که با کنیزش در حالی که با اجازه او مُحَرَّم شده است - نزدیکی کند». ممکن است متن فوق را توضیح دهید؟

پاسخ:

تفصیل کفاره مذکور در کتاب شرایع جلد ۲ آمده است - خداوند توفیقت دهد - و

متن آن: «و اگر در حالی که خود محرم نیست با کنیزش - که با اجازه او محرم شده است - نزدیکی کند باید کفاره بدهد و کفاره اش مخیر بین یک شتر یا یک گاو و یا یک گوسفند است و اگر تنگ دست بود مخیر است بین یک گوسفند و یا سه روز روزه یکی را انتخاب کند».

سایر مسایل مرونزه:

پرسش ۷۸:

اگر یک ماه روزه متوالی بر عهده اش باشد و اگر پانزده روزه را روزه گرفته باشد سپس افطار کند و مجددا تصمیم بگیرد روزه هایش را کامل کند، آیا باید پانزده روز باقیمانده را پشت سرهم روزه بگیرد؟ یا فقط روزه گرفتن کفایت می کند حتی به صورت غیرمتصل و پراکنده؟

پاسخ:

تمام کردن روزه‌ها به صورت پراکنده کفایت می کند.

پرسش ۷۹:

در کتاب شرایع موارد روزه‌های مستحبی ذکر شده است، مثل: روزه ایام البیض^(۱)، روزه روز غدیر خم، روزه روز ولادت پیامبر ﷺ و آیا کسی که نتوانسته است در این روزها روزه مستحبی بگیرد می تواند قضایشان را به جا آورد یا اگر ناتوان بود به جایش یک مد طعام صدقه بدهد؟

پاسخ:

مستحب است یک مُد غذا صدقه بدهد.

پرسش ۸۰:

انسان مؤمنی روزه‌های واجب را می‌گیرد و در ایامی که روزه گرفتن در آنها مستحب است - مثل سه روز هر ماه و ایام ذی‌الحجه - نیز روزه‌دار است. آیا ثواب روزه مستحبی این ایام برای او نوشته می‌شود؟

پاسخ:

به خواست خدا بله.

پرسش ۸۱:

بعضی از مؤمنان در مناطق به شدت گرم کار می‌کنند و کارشان طاقت‌فرسا است و نمی‌توانند روزه را تحمل کنند. سوال می‌کنند آیا کارمان را رها کنیم و روزه‌مان را نگه داریم که در این صورت از عهدهٔ مخارج خانواده‌مان بر نمی‌آییم، و یا کار کنیم که در این صورت نیز مجبور می‌شویم روزه‌مان را بشکنیم؟ ما چه باید بکنیم؟

پاسخ:

روزه بگیرند و از بیت المال مبلغی برای کمک خرج‌شان در ماه مبارک رمضان به آنها پرداخت شود.

شب قدر:

پرسش ۸۲:

شب قدر چه موقعی است؟ و شروع شب قدر از هنگامی پس از غروب و پایانش چه موقعی می‌باشد؟

پاسخ:

شب قدر، شب بیست و سوم ماه رمضان است و حدود آن از هنگام پنهان شدن خورشید تا صبح صادق می‌باشد.

به دلیل لازم بودن روزه‌داری در اعتکاف، برخی از مسایل مربوط به اعتکاف را که سید احمد الحسن علیه السلام اقدام به پاسخ‌گویی به آنها فرموده‌اند به پیشگاه مؤمنان تقدیم می‌کنم:

اعتکاف:

پرسش ۸۳:

اگر کسی نذر پنج روزه بکند، آیا پنج روز معتکف می‌شود یا شش روز؟

پاسخ:

پنج روز معتکف می‌شود، مگر اینکه پشت سر هم بودن را شرط نکرده باشد که در این صورت، سه روز آن را اعتکاف می‌کند و از اعتکاف بیرون می‌آید و صحیح نیست که فقط دو روز باقیمانده را اعتکاف کند، بلکه می‌باید سه روز دیگر معتکف شود.

پرسش ۸۴:

اگر به صورت مستحبی هفت یا هشت روز متوالی اعتکاف کند، آیا می تواند اعتکافش را قطع کند؟ یا باید حتماً به نُه روز برساند بعد از اعتکاف بیرون بیاید؟

پاسخ:

ضروری نیست آن را به نُه روز تمام کند.

پرسش ۸۵:

آیا اعتکاف کودک صحیح است؟ اگر صحیح است اگر بخواهد معتکف شود آیا اجازه پدرش شرط است؟

پاسخ:

صحیح نیست.

پرسش ۸۶:

اگر در روز سوم اعتکاف مستحبی اش از اعتکاف خارج شود آیا قضای آن برایش واجب است؟ یا اینکه فقط به خاطر ترک کردنش، گناه آن بر گردنش می باشد؟

پاسخ:

قضا واجب نیست.

پرسش ۸۷:

آیا مشایعت مؤمن برای معتکفی که از مسجد خارج می شود مجاز است و اعتکاف وی را باطل نمی کند؟ حتی اگر مسافت مشایعت طولانی باشد؟ حتی

اگر از مکان اعتکافش بسیار دور شود؟

پاسخ:

حتی اگر مسافت طولانی باشد اشکالی وارد نیست.

پرسش ۸۸:

اگر در حالی که در اعتکاف است بخواهد به عیادت بیماری برود و از مسجد خارج شود و در راه خانه بیمار به بازار برود و در آن توقف کند و یا مشابه اینها، این عمل تاثیری در اعتکاف وی خواهد داشت؟

پاسخ:

تاثیری ندارد.

پرسش ۸۹:

آیا خارج شدن معتکف برای بیان کردن حق برای خواهانش، یا برای حضور در مناظره بین حق و باطل، یا حضور در مراسم ازدواج مؤمن، یا به قصد رفتن به سوی خانواده‌اش برای دلیلی که حضورش را لازم می‌گرداند، صحیح است؟ اگر صحیح است که خارج شود چه مدت می‌تواند اعتکافش ترک کند؟

پاسخ:

(خروج از مسجد فقط برای موارد ضروری جایز است، مانند خروج برای قضای حاجت،^(۱) غسل کردن، تشییع جنازه، عیادت بیمار، مشایعت مؤمن و حضور برای

۱- حاجتی که ضروری باشد، مثل رفتن نزد طیب، یا آوردن غذا و چیزهایی که به آنها نیاز دارد، یا... (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم ص ۶۴).

شهادت دادن). معتکف باید به گونه‌ای امورش و اهمیت و ضرورت آنها را برنامه‌ریزی کند که خارج شدنش برای انجام آنها یک شب و یک روز و معادلش یعنی بیست و چهار ساعت پیوسته به طول نینجامد.

پرسش ۹۰:

آیا منظور از نشستن، به مدت طولانی ماندن است یا نه، منظور خود نشستن بر روی زمین یا صندلی می‌باشد؟ به عنوان مثال اگر بخواهد به عیادت بیماری در خانه‌اش یا بیمارستان برود نحوه صحیح این کار که اعتکافش را باطل نکند به چه صورت می‌باشد؟

پاسخ:

یعنی در راه از نشستن برای استراحت کردن اجتناب کند، و اشکالی ندارد هنگام عیادت بیمار زیر سایه بنشیند. فرض بر این است که او معتکف می‌باشد و برای ضرورتی خارج شده است، پس صحیح نیست در سایه قدم بزند یا مقداری از وقتش را در نشستن در راه بگذراند، بلکه باید وقتش را صرف حاجتش کند و تنها برای برآوردن نیاز ضروری، بسنده کرده، به اعتکافش بازگردد.

پرسش ۹۱:

منظور از (سایه) چیست؟ اگر معتکف برای رفع نیاز به خانه مسقف داخل و یا سوار ماشینی این چنینی گردد، آیا اعتکافش باطل می‌شود؟

پاسخ:

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد باطل نمی‌شود؛ آنچه برای رفع نیاز ضروری‌اش باشد اشکالی ندارد.

پرسش ۹۲:

منظور از جدال و نزاع (ممارات) که از محرّمات اعتکاف است چیست؟

پاسخ:

بحث و مناقشه با دیگران برای غلبه بر آنها و پیروزی خودش.

پرسش ۹۳:

اگر نیاز به چیزی ضروری پیدا کند مثل خرید، خوردن، دارو یا نظایر اینها، آیا می‌تواند این کار را انجام دهد؟

پاسخ:

جایز است.

* * *

این پایان آن چیزی است که در این قسمت از پاسخ‌های سید احمد الحسن که سلام و صلوات پروردگرم بر او باد، در آنچه مربوط به روزه و اعتکاف بود تدوین نمودم.

و حمد و ستایش تنها از آن خداوند، پروردگار جهانیان است؛ و سلام خداوند بر برترین خلقش، محمد و آل پاک و مطهر او، امامان و مهدیین، و سلام تام بر آنها باد!